

گزارش

پارادایم نو و رقص وحدت در پساجنگ

✚ چا پرس آور؟

به این دلیل که چرا نخبگان سیاسی و حزبی کشور، متناسب با وضع جدید کشور بعد از جنگ، به الزامات و اقتضانات پایبند نبستند. به‌رغم این‌دست اظهارنظرها، صرف برگزاری چنین نشست‌ی که از تکرر آرا و نظرات برخوردار بود و تنوع بالایی از دیدگاه‌ها را در خود داشت، بسیار خوب است و من این را به فال نیک می‌گیرم و همچنان معتقدم همه اصلاح‌طلبان باید از چنین نشست‌هایی استقبال کنند. به نظر می‌رسد در یک روند تدریجی، ولو با سرعت کم، خواسته‌ها و نظرات آنها هم شنیده می‌شود. آن چیزی که شما عنوان کردید هم وجود دارد. به هر حال باید اذعان داشت که در صداوسیما هم کماکان شاهد جولان و حضور چهره‌ها و صداها‌ی هزینه‌ساز برای کشور هستیم که قطعا هزینه‌های بسیاری هم برای منافع و امنیت ملی در پی دارد. اما این را هم باید عنوان کرد که اگرچه ۱۰ به یک نفر، باز فرصتی کوتاه و محدود به ما و برخی چهره‌های سیاسی هم داده می‌شود که اظهارنظر متفاوتی را از تریبون صداوسیما داشته باشیم. باز باید آن را هم قدر نهاد و همه اینها، این امید را ایجاد می‌کند که «پلتفرم حکمرانی از یک پلتفرم یک طرفه و یک‌سویه با جمع‌بندی به نام کل ملت ایران، به یک پلتفرم جمع‌بندی حرف واقعی ملت تغییر پیدا کند». پس به‌رغم آن چیزی که عنوان داشتید، به لحاظ اخلاقی و سیاسی، خود را ملزم می‌دانم این امید را داشته باشم و این امید را در جامعه تزریق کنم که امکان تغییر دست‌فرمان و ریل سیاسی در کشور وجود دارد. باز هم تأکید می‌کنم که امیدوارم این امید من، یک امید واهی نباشد.

✚ باز هم در تقابل با آنچه گفتید، به همین دولت چهاردهم بپردازیم. دولتی که از همان ابتدا، گفتمان شکل‌نگرفته‌اش روی کلیدواژه «وفاق ملی» بود و دیدیم چر بر سر وفاق ملی آمد. حالا هم بعد از جنگ ۲ روزه، مقوله انسجام ملی و وحدت ملی به عنوان یک پارامتر جدید در فضای سیاسی و اجتماعی خودنمایی می‌کند. آیا این دولت، همان رفتاری را با وحدت و انسجام ملی دارد که با وفاق ملی داشت؟ واقعا این دولت چگونه می‌تواند ضرورت به الزام تغییر پارادایم و به قول شما استفاده از مهم‌ترین کارت ایران بعد از جنگ، یعنی مسئله انسجام و وحدت داخلی را اجرایی و عملیاتی کند که تجربه تلخ وفاق ملی تکرار نشود؟

نقد شما کاملا درست است و متأسفانه این دولت همه کارت‌های خود را در عمل تقدیم جریان منتقد و مخالف خود کرد. به‌ عبارت دیگر، تمام کارت‌های شعار وفاق ملی در این راستا خرج شد و باید این را هم اذعان کرد که این دولت با خرج‌کردن این کارت‌ها برای مخالفانش، عملا خود را خلع سلاح کرد. یعنی به نام شعار وفاق ملی، تمام ابزارها، اهرم‌ها و امتیازهای دولت به منتقدان و مخالفان داده شد. اما این را هم در نظر بگیریم که با چنین عملکردی، دولت مستقتر پیش از جنگ، عملا ثابت کرده که به استقبال شعار خود، یعنی وفاق ملی رفت. کمااینکه صدا‌های مخالف در دولت فعلی، یک صدای «هم‌زون» است که از دولت سابق به دولت جدید رسوخ پیدا کرد. به عبارت دیگر، رنگ وفاق و رنگ خود مسعود پزشکیان در دولت چهاردهم، کمترین طیف رنگی است. بیشترین و پررنگ‌ترین‌ها مربوط به صدای مخالفان و منتقدان است. پس دولت چهاردهم عملا وفاق را در پیش گرفت. پس ضرورت تغییر پارادایم توسط رئیس‌جمهور و قبل از این‌ جنگ، حداقل در کابینه اجرایی شد. یعنی این دولت و شخص آقای پزشکیان، هزینه وفاق را پرداخته است. اما سؤال مهم‌تر اینجاست که آیا دیگر بخش‌ها، نهادها و ارگان‌های حاکمیتی، همین مسیر دولت چهاردهم را به‌خصوص بعد از جنگ اخیر، در دستور کار خود قرار می‌دهند؟ این بستگی به تحولات آینده دارد. اما جنگ نشان داد که به بهای شکل‌گیرشدن انسجام داخلی و وحدت ملی، باید شعار وفاق را ارج نهاد و باید دید که مسیر پیش‌رو، متأثر از صدا‌های مکتثر و متنوع از جامعه یکپارچه بعد از جنگ خواهد بود یا خیر یا کماکان محور تصمیم‌گیری‌ها، همان نگاه جامعه کوچک سوپرانقلابی است و بناس‌ت که حکمرانی کماکان با همین مسیر به‌رزینه ادامه پیدا کند.

✚ باز هم در تقابل با آن چیزی که عنوان کردید، نباید فراموش کنیم که شعار وفاق، اتفاقا برعکس آن چیزی که تحلیل کردید، یک واکنش سیاسی فرصت‌طلبانه تعبیر شد. هرچند بخش‌ی از خود دولت از همان ابتدا تأکید و اصرار داشت که شعار وفاق که اتفاقا هیچ‌گاه هم به گفتمان این دولت تبدیل نشد، به معنای «دولت سهامی» نیست، اما در عمل، دولت به یک دولت سهامی تبدیل شد. پس چه تضمینی وجود دارد که انسجام و وحدت بعد از جنگ در جامعه سیاسی کنونی، مصادره به مطلوب نشود و از دل آن هم یک «ساختار سهامی» شکل نگیرد؟

نکته شما درست است، من هم عنوان کردم که دولت دکتر پزشکیان کارت‌های خود را به نام شعار وفاق ملی تقدیم منتقدان و مخالفان خود کرد و اتفاقا ما به عنوان جریان حامی این دولت، عملا کنار گذاشته شده و مجبور به عقب‌نشینی شدیم. اما باز هم ما این اقدام را یک اقدام مثبت می‌دانیم و به آن ارج می‌دهیم، منتها به شرطی که شعار وفاق، به یک همدلی طی یک سال گذشته بعد از دولت چهاردهم تبدیل می‌شد. ما به دنبال یک همدلی بودیم که ذیل آن، حرف کل جامعه و ملت ایران در این دولت و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها شنیده شود. واقعا موضوع دولت سهامی، اختصاص پیداکردن پست‌ها و وزارتخانه‌ها به این حزب یا آن جریان سیاسی نبود.

✚ برای سؤال آخر، جا دارد روی ضرورت و الزام دیگری تمرکز کنیم که روی خروج هرچه سریع‌تر و جدی‌تر از فضای تعلیق سیاسی و دیپلماتیک تأکید دارد؛ به‌خصوص که کشور با مجموعه‌ای از عدم تثبیت‌ها و حتی بیم جنگ مجدد مواجه است. اگر از منظر محمدعلی وکیلی، ایران پس از جنگ، کارتی به نام انسجام ملی دارد، چگونه می‌تواند از همین کارت خود برای خروج از فضای تعلیق کنونی استفاده کند؟

سؤال مهمی پرسیدید و بدون تعارف باید بگویم خروج از تعلیق کنونی، آن هم با استفاده از کارت کنونی ما، تقریبا یک اقدام محال است.

✚ چرا؟

چون رهایی و خروج از فضای تعلیق کنونی نیازمند استفاده از کارتی است که زمین بازی را برای ایران تغییر دهد. باید کارت با کارت‌هایی را برای خود تعریف کنیم و آنها را در اختیار بگیریم که بتواند برای ایران، زمین بازی را تغییر بدهد. ضمن آنکه باید هنر و هوشمندی استفاده از این کارت‌ها با کارکرد تغییر زمین بازی را داشته باشیم.

✚ سؤال آخرم را مطرح کردم، اما واقعا حیف است این را از شما نبرسم که منظور شما چه کارت‌هایی است؟

اکنون نمی‌توانم بگویم چه کارت‌هایی می‌تواند برای ایران زمین بازی را تغییر دهد. اگر در آینده گوش شنوایی بود، به شما خواهیم گفت که آن کارت، چه کارتی است.

✚ اگر اصرار کنم، چطور؟

الان تمایلی به مطرح‌کردن و بازکردن این موضوع ندارم.

رهبر انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان عالی قوه قضائیه و رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور:

ملت با جهت‌گیری‌های گوناگون سیاسی و وزن متفاوت مذهبی پای ایران عزیز ایستاد



پایان بیانیه‌ای صادره از سوی رهبر ایران

به‌ کار خود ادامه دهند، گفتند: همه بدانند که خداوند طبق آیه «وَلْيَنْصَرِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَبْذُرُهُ»، نصرت خود را بر ملت ایران و ذیل نظام اسلامی و چتر قرآن و اسلام تضمین کرده و این ملت یقینا پیروز خواهد شد. رهبر انقلاب در این دیدار با قدردانی از رئیس و همه عناصر فعال قوه قضائیه، اقدامات انجام‌گرفته در این قوه را خوب و خرسندکننده خواندند و افزودند: البته همواره در کنار کارهای انجام‌شده باید به کارهای لازم اما انجام‌نشده نیز توجه و برای انجام آنها پیگیری کرد. ایشان پیگیری حقوقی جنایات انجام‌گرفته در جنگ اخیر رژیم صهیونیستی را ضروری دانستند و گفتند: در قضایای قبلی نیز باید پیگیری حقوقی انجام می‌شد که کوتاهی‌هایی شد اما قوه قضائیه باید جنایات اخیر را از طریق دادگاه‌های بین‌المللی و داخلی به صورت جدی، با دقت و هوشیاری کامل و ملاحظه همه جوانب پیگیری کند. رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه نتیجه همه سفرها‌ش به قوه قضائیه باید در اعتماد مردم به آن متبلور شود، گفتند: بارها در دیدار مسئولان قضائی گفته‌ایم که باید به شکلی عمل کنیم که هر کس‌ی در هر گوشه کشور مورد ظلم و تعدی قرار گرفت، بداند مشکل او به مراجعه به دادگستری حل می‌شود. ایشان لازمه دستیابی به این نقطه مطلوب را رسیدگی و مبارزه با فساد درون و بیرون از قوه قضائیه دانستند و افزودند: مبارزه با فساد باعث ایجاد امید و اعتماد در مردم می‌شود.

در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در سخنانی، ناکامی دشمن در دستیابی به اهداف خود را موهون هوشیاری مردم و فرماندهی رهبر معظم انقلاب دانست و گفت: برگ زرین دیگری به کتاب افتخارات ملی اضافه شد و همه دنیا نیز غیرقابل اعتماد بودن طرف‌های مقابل ما را مشاهده کردند. رئیس قوه قضائیه، «به‌روزرسانی سند تحول قوه و پیشرفت‌های خوب در تحقق اهداف سند»، «تدارک اقدامات لازم برای اجرای قانون اسناد غیرمنقول»، «تعامل بهتر با دستگاه‌های اجرایی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین»، «کاهش زمان رسیدگی به دعاوی»، «افزایش حل‌وفصل اختلافات از طریق صلح و سازش»، «حضور فعال مسئولان قضائی در بین مردم و مساجد» و «ارائه بیش از دو میلیون مشاوره حقوقی رایگان به مردم» را از اقدامات برجسته سال گذشته دستگاه قضائی برشمرد و افزود: درخصوص اقدام حقوقی علیه جنایتکاران و رژیم خبیث صهیونیستی در دادگاه کیفری بین‌المللی، کاری مؤثر با همکاری وزارت امور خارجه و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در حال انجام است.

تبیین و رفع مغالطات لازم است اما به میان کشیدن ایرادهای غیرلازم و بحث درباره آنها و جنجال بر روی مسائل کوچک مضر است و حتی ابطال مغالطه باید به بهترین شکل انجام شود که مشکلی برای کشور ایجاد نشود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اظهار وفاداری به نظام و تأیید و حمایت از سیاست‌های کلی را ضروری و مفید خواندند و افزودند: اما نباید اختلاف‌نظرهای موجود و این جناح و آن جناح کردن را که کاری مضر است غلیظ کرد. ایشان همچنین شور و هیجان عمومی مردم به‌خصوص جوانان را امری لازم و خوب خواندند و گفتند: اما بی‌صبری و پا به زمین کوبیدن و اعتراض به اینکه چرا فلان کار انجام نشد، مضر است. رهبر انقلاب در بیان آخرین توصیه، با تأکید بر استمرار فعالیت دستگاه‌های مسئول نظامی و دیپلماسی با قوت و با جهت‌گیری درست، گفتند: البته به جهت‌گیری‌ها باید توجه کنند چراکه به‌خصوص در عرصه دیپلماسی، جهت‌گیری بسیار مهم است و باید با مراقبت و دقت کار شود. ایشان با اشاره به امکان اعتراض یک نفر به یک مسئول در قضیه‌ای نظامی با دیپلماسی، افزودند: نمی‌گویم اعتراض خود را مطرح نکنند اما اعتراض و انتقاد باید با لحن قابل قبول و پس از تحقیق و اطلاع‌یابی انجام شود چراکه گاهی برخی اظهارات و اعتراض‌هایی که در رسانه‌ها منعکس می‌شود، ناشی از بی‌اطلاعی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه مسئولان باید با قوت و روحیه کامل

نقشه متجاوزان این بود که با حمله به برخی شخصیت‌ها و مراکز حساس ایران، نظام ضعیف خواهد شد و آن‌گاه با به میدان آوردن هسته‌های خفته مزدوران خود از منافق و سلطنت‌طلب تا اراذل و اوباش، می‌توانند با تحریک مردم و به خیابان کشیدن آنها، کار نظام را تمام کنند.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: در عمل دقیقا برعکس طراحی دشمن اتفاق افتاد و معلوم شد بسیاری از محاسبات برخی افراد در زمینه‌های سیاسی و امثال آن نیز صحیح نیست. ایشان با اشاره به آشکارشدن چهره، نقشه و اهداف پنهان دشمن متجاوز برای آحاد مردم، گفتند: خداوند نقشه آنها را باطل و مردم را به پشتیبانی از دولت و نظام وارد میدان کرد و مردم نیز برخلاف تصور دشمن به حمایت و پشتیبانی جانی و مالی از نظام برخاستند. رهبر انقلاب سخن‌گفتن و کنار هم ایستادن افرادی با وزن مذهبی کاملا متفاوت و جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون و حتی متضاد را باعث ایجاد اتحاد عظیم ملی خواندند و با تأکید بر ضرورت حفظ این وحدت بزرگ، گفتند: همگان اعم از روزنامه‌نگار، قاضی، مسئول دولتی، روحانی و امام‌جمعه موظف به صیانت و حفاظت از اتحاد ملی هستند. ایشان وجود اختلاف سلیقه سیاسی و وزن متفاوت مذهبی را منافی کنار هم ایستادن برای دفاع از حقیقتی مشترک به نام دفاع از ایران عزیز و نظام اسلامی ندانستند و در بیان الزامات حفظ اتحاد ملی گفتند:

بحران مهاجرت افغانستانی‌ها ولزوم بازنگری در سیاست‌های ایران

آنچه ایران را در تاریخ ممتاز کرده، نه مرزهای جغرافیایی یا نوع حکومت، بلکه هویت تمدنی آن است؛ هویتی ساخته‌شده از اخلاق، هنر، فرهنگ، عرفان و دانش. در این چشم‌انداز، تحقیر مردمی که تنها یک قرن پیش شریک تاریخ، جغرافیا و زبان ما بودند، با ذات این تمدن ناسازگار است. هیچ شهری در ایران امروز را نمی‌توان یافت که در «ایرانی‌بودن» از هرات پیشی بگیرد.

بازسازی نگاه عمومی به پدیده مهاجرت، نیازمند کارزاری فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای است. این اصلاح باید با بازنگری قوانین تبعیض‌آمیز و تنظیم دیدگاه‌ها رسمی هم‌گام شود. بسیاری از کشورهای جهان، میان مهاجرت، پناهندگی و شهروندی تمایز نهادی و حقوقی قائل‌اند. عربستان سعودی به‌عنوان نمونه، هم‌زمان میزبان میلیون‌ها پناهنده و میلیون‌ها کارگر خارجی است. ایران نیز باید میان اقشار مختلف جمعیت افغانستانی تمایز قائل شود؛ اعطای تابعیت و حقوق شهروندی به نسل‌هایی از پناهندگان، صدور ویزای کاری برای سرمایه‌گذاران و کارگران و ایجاد سازوکارهای مؤثر اما قانون‌مند برای بازگرداندن افراد فاقد مجوز. رهاکارهای پلیسی و جمعی، نه‌تنها ناکارآمد، بلکه از منظر انسانی نیز مردود هستند. تا این لحظه، هیچ سندی نشان نمی‌دهد که شهروندان افغانستانی تهدیدی برای امنیت، سیاست یا اقتصاد ایران باشند.

با این حال، نگاه تحقیرآمیز به حضور پررنگ آنان در فضا‌های عمومی، یادآور دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز نژادی در غرب در برابر مهاجران رنگین‌پوست است. ضعف نهادهای اجرایی و پراکندگی اداری نیز از دیگر دلایل نارضایتی دو سوی این بحران است. رسیدگی به جمعیت چندمیلیونی مهاجران نیازمند نهادهی منسجم، کارآمد و قدرتمند است. ایجاد سازمان ملی مهاجرت، یک ضرورت فوری برای اداره عقلانی این بحران است.

از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که کشورهای غربی و منطقه‌ای در شکل‌گیری بحران پناهندگی افغانستانی‌ها سهیم بوده‌اند و باید در حل آن نیز نقش آفرین باشند. ترکیه تاکنون میلیارد‌ها یورو از اتحادیه اروپا برای کنترل موج مهاجران دریافت کرده و پاکستان نیز به پشتوانه میزبانی از پناه‌جویان، امتیازات نظامی و اقتصادی گسترده‌ای کسب کرده است. ایران، در مقایسه، سهم بسیار اندکی از کمک‌های جهانی دریافت کرده و لازم است مسئله پناهندگان در دستور گفت‌وگوهای دیپلماتیک ایران با کشورهای غربی و منطقه قرار گیرد. جامعه دانشگاهی ایران نیز می‌تواند نقشی کلیدی در تحلیل، تبیین و هدایت افکار عمومی ایفا کند. ایجاد رشته‌های مرتبط با مهاجرت، شکل‌گیری کارگروه‌های علمی و اتصال نهادهای اجرایی با رسانه‌ها و نهادهای مدنی، رسالتی است که دانشگاه‌ها می‌توانند بر عهده بگیرند. دراین‌میان، جامعه افغانستانی در تبعید نیز باید از رویکرد مظلوم‌نمایی یا مسئولیت‌گریزی فاصله بگیرد و در مدیریت بحران کنونی نقشی فعال ایفا کند. نمونه‌هایی مانند استقبال مردم هرات و فراه از بازگشت‌داده‌شدگان، نمودهایی از مسئولیت‌پذیری و همبستگی مدنی‌اند که باید در دیگر مناطق نیز گسترش یابند.

نزاع‌های تلخ این روزها در فضای مجازی میان کاربران ایرانی و افغانستانی گاه بیشتر به درگیری زندانیان یا یکدیگر می‌ماند تا تلاشی برای رهایی از زندان بان. افغانستان که در اشغال طالبان به سر می‌برد، و ایران که با انبوهی از تهدیدهای خارجی و فشارهای داخلی دست‌وپنجه نرم می‌کند، گذشته‌ای مشترک و آینده‌ای درهم‌تنیده دارند. هم‌روشنی دو ملت، واقعیتی است که نه می‌توان انکارش کرد و نه می‌توان از آن گریخت. «آب اگر صد پاره گردد، باز با هم آشناس».

ادامه‌از صفحه ۳

Iran MS Society
انجمن حمایت از سکته‌های ایران
ام اس اس

ما قوی تر از دردهایمان هستیم.

ام اس ناتوانی نیست

کنترل ام اس با تشخیص به موقع و درمان

۰۲۱۶۶۹۵۱۱۸۷-۸ ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۰۷-۹ www.iranms.org